پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صص ۲۴۷-۲۶۷ (مقاله پژوهشی)

No. 31, Autumn & Winter 2022/ 2023

اهداف و مقاصد قرآن در آیات ناظر به تکامل بر اساس مبانی معرفتی جیمز کلارک

احمد قرائی سلطان آبادی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۸/۳۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۹/۲۹)

چکیده

هر چند دامنه بحث از قرآن ونظریه تکامل همچنان بعضی از طرفداران خود را در طیف وسیعی از جدایی یا تعارض آن دو قرار داده است، اما کسانی هم هستند که به ارتباط و یکپارچگی آن دو می‌اندیشند، از آن جمله جیمز کلارک، فیلسوف دین معاصرکه با تحلیل پاره‌ای از مبانی معرفتی و روش‌شناختی او در این پژوهش مشخص گردید که نگاه او به علم و دین ویژگی‌های خاص خود را دارد، مثلاً او در رابطه نظریه تکامل با قرآن به سراغ سبک بیانی قرآن رفته و با مداقه در آیات خلقت به این نتیجه رسیده است که بیان قرآن در موضوع خلقت انسان مختصر و پراکنده و اغلب دارای ابهام است، و این خود ویژگی منحصر و سازگار با اهداف عالی قرآن است. لذا تلاش برای کشف و فهم مراحل خلقت با همه جزئیاتش از طریق قرآن ما را به ناسازگاری آن با نظریه علمی تکامل می‌رساند. بعلاوه، رویکرد دقیق در میان مفسران قرآن هم برای کسانی خواهد بود که از بیان قرآن در آفرینش انسان درصدد کشف همه حقایق و مراحل خلقت برنیایند، بلکه هم نقش و جایگاه مهمی برای علم و کشفیات جدید علمی دانشمندان علوم مختلف در نظر گیرند و هم اینکه اشارات قرآن در این موضوع را جهت اثبات امور وحقایق مهمتری چون فرجام کفرورزی، ضرورت مغرور نشدن و لزوم تقوا ورزیدن وتسلیم امر الهی بودن آدمی، تفکر در آفرینش و تذکر به نعمات و یاد خدا، معاد، قدرت و خالقیت الهی و شایستگی پرستش خدا بدانند.

کلید واژه‌ها: *قرآن، نظریه تکامل، خلقت انسان، جیمز کلارک، اهداف و مقاصد قرآن.*

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ولی‌عصر ﷺ رفسنجان، رفسنجان، ایران؛ ah.gharaee@vru.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

۱. بیان مساله

معمول است که در بحث رابطه قرآن با علم به موضوع مهم و چالشی نسبت آیات قرآن با محتوای نظریه تکامل توجه شود. در این مسیر دو رویکرد عمده تعامل و تعارض میان علم و دین، دیدگاهها و چالشهایی را در میان اندیشمندان و پژوهشگران حوزه دین و فلسفه سبب شده است. با وجود این، این مبنا همچنان محل توجه و نظر است که قول به تعارض زمانی رخ می‌دهد که دلایل و مستندات و تبیین یکی از آن دو (علم و دین) سست و بی‌بنیاد بوده و هویدا سازد که آن منبع دیگری اعتبار معرفتی دارد.

سوای همه موافقت‌ها و مخالفت‌های با ارتباط علم و دین یا علم و قرآن مطلب مهم این است که هر نظریه علمی باید بتواند به همه جزئیات یک اتفاق در گذشته بپردازد و متدولوزی‌ای از بحث ارائه دهد که با پیدا شدن شواهد جدید به چالش کشیده نشود.

این پژوهش با استفاده از تبیین علمی فلسفی جیمز کلارک فیلسوف دین و اخلاق معاصر که در واقع مخاطب را به یک رویکرد متفاوت مبتنی بر ساختار زبانی متن قرآن و دلالتهای اجمال گونه و مختصر آن در قصه بیان چگونگی آفرینش انسان رهنمون می‌سازد؛ به دنبال طرح و تبیین این مسأله است که اهداف و مقاصد قرآن در آیات ناظر به تکامل و خلقت انسان دقیقاً چیست و اینکه با استفاده از روشی که کلارک در بررسی شیوه بیان و نوع دلالتهای قرآنی و نحوه مواجهه مسلمانان با نظریه تکامل بیان کرده است، آیا می‌توان به دیدگاهی نو و روشن دست یافت یا خیر؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله توجه به نکاتی چند ضروری است به شرح زیر:

۲-۱. چیستی نظریه تکامل و بیان دیدگاهها

نظریه تکامل (فرگشت هم گفته شده) به این موضوع مهم دلالت دارد که هرگونه از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

موجودات زنده یا ارگانیسم‌ها نسبت به گونه‌های قبل از خود متکامل‌ترند. به عبارت دقیق‌تر، بنا بر ساختار طبیعی بدن موجودات و فرایند انتخاب طبیعی و تلاش برای حفظ بقا و تولید نسل در هر ارگانیسم نوعی تطور و تکامل رخ داده است و این روند حاکم بر حیات طبیعی موجودات زنده است (نکـ: سحابی، ۷۰ و ۷۷؛ کارترایت، ۵۴).

داروین خود می‌گوید: «موجودات ارگانیزه در حالت طبیعی از قابلیت تغییر فردی (خاصی) برخوردارند» (داروین، ۱۰۱) از نظر او، اگر هیچ‌گونه تغییری پدید نیاید انتخاب طبیعی وارد بازی نخواهد شد (همو، ۱۲۷). حال آنکه، انتخاب طبیعی به بهتر کردن ارگانیسم‌های جاندار در مقابل دنیای زنده و شرایط غیر ارگانیک می‌پردازد (نکـ: همو، ۱۲۸). و بر اساس اصل تنازع بقا نبرد طبیعت بی‌پایان است و برخی از گونه‌ها آسان‌تر و سریع نابود می‌شوند و موجودات سالم و بادوام و اصلح باقی می‌مانند (نکـ: همو، ۱۲۲). اگرچه به گفته کارترایت: داروین در کتاب خود عمدا نسبت به کاربرد ایده‌هایش در مورد انسان سرپوشیده و محتاط عمل کرده، اما الگوهای استدلالی به قدر کافی روشن و صریح هستند (کارترایت، ۱۷) که دانشمندان پس از داروین به اصل تکامل گونه انسان خردمند مطابق یافته‌های داروین دقت نظر نشان دادند که حاصل آن ظهور دیدگاههایی مختلف در زمینه پیدایش گونه انسان بود.

ابتدا نظریه طراحی هوشمند (intelligent design) توسط بیوشیمی‌دان مایکل‌بی‌هی مطرح شد که خلقت انسان را براساس یک برنامه هوشمند از طرف خالق (خدا) معرفی می‌کرد، و در عمل، نظریه تکامل را که خلقت را ناشی از انتخاب طبیعی گونه‌ها می‌دانست با چالش جدی مواجه نمود تا حدی که خداناباورانی چون بردلی مانتِن در کتاب «جستجوی خدا در علم» و تامس نیگل مدعی شدند که مدارکی به نفع این نظریه (طراحی هوشمند) وجود دارد، و به‌طور خاص نیگل تردید جدی دارد که نظریه تکامل بتواند به‌طور کامل وجود یک انسان را توضیح دهد (نکـ: سعدی و دیگران، ۱۴۰ـ۱۴۱).

پالمرینی و فودور (۲۰۱۰) هم بدون دخالت دادن گرایشهای فلسفی و مذهبی بلکه در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

یک فضای به اعتراف خود کاملاً علمی، دو مبنای اصلی نظریه تکامل یعنی پدید آمدن جهش‌ها و تغییرات اتفاقی در ژن‌ها، و انتخاب طبیعی (انتخاب صفات ظاهری سازگار با محیط) را بررسی کردند و اذعان داشتند که دانش امروز زیست‌شناسی نشان می‌دهد که بسیاری از ژنها موسوم به ژنهای پایدار در بازه‌های زمانی بسیاز طولانی (مثلاً برای صدها میلیون سال) دچار تغییر نمی‌شوند، بنابراین امکان تغییر در آنها و صفات ظاهری مربوط به آنها به شکل تدریجی فراهم نیست؛ بعلاوه دانش زیست‌شناسی جدید نشان داده است که تغییر رخ داده در ژن خاص باید از موانع و قیود مختلفی در سطوح گوناگون عبور کند تا به سطح فنوتیپ یا صفات ظاهری برسد، لذا اگر منشأ جهش‌ها اتفاقی باشند، فنوتیپ‌های مربوط به آنها اصلاً این‌گونه نخواهند بود (نکـ: نریمانی، ۲۱).

در چنین فضا و ظهور گفتمان‌های مختلف، فیلسوف دین معاصر کلی جیمز کلارک کوشید تا در کنار دیدگاههای مختلف به تکامل و ارتباط آن با گزاره‌های دین به ارتباط فرایندهای تکامل طبیعی با خالقیت خدا بپردازد. برای نمونه او اذعان داشت که به فرض اینکه جهش‌های تصادفی در فرایند طبیعی تکامل، کور و بی‌هدف در نظر گرفته شود، اما تصادف در اینجا به معنای بیولوژیکی آن یعنی بی‌تفاوت به نیاز موجودات نخواهد بود لذا منافاتی با خداباوری ندارد (Clark, 107) . از نظر او تصادفی و کور بودن وقتی مورد پذیرش است که واقعیت پیش‌بینی‌ناپذیری برای بشر وجود داشته باشد، اما وقتی واقعیت قابل پیش‌بینی موجود است، پس خدا می‌توانسته جهان و موجودات زنده را از راههای طبیعی به‌وجود آورد (Ibid, 109). پس چنانچه جهش‌های ژنتیکی غیرقابل پیش‌بینی در عمل باشند (یعنی اینکه با وسایل پیشرفته موجود نتوان نتیجه آن را پیش‌بینی کرد)، پس خداوند می‌توانسته عامل به وجود آوردن تکامل باشد (Ibid, 110).

۲-۲. پیشینه بحث

در مجموعه تحقیقات مربوط به قرآن و تکامل که طیف وسیعی را به خود اختصاص

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

داده است، تنها مقاله سعدی، و رسولی پور و محسن جوادی (۱۳۹۷) بـا عنـوان «تکامـل، خلقت و خداباوری و مواضع اندیشمندان مسلمان، تحلیل و بررسی آرای جیمز کـلارک» کـه در کنار دیدگاههای دیگر به تبیین دیدگاه کلارک از حیث عمومی پرداخته است و وارد بحـث از نحوه برداشت ایشان از آیات قرآن درباره تکامل نشده است. سعدی (۱۳۹۵) هم در مقالـه «رابطه علم و دین در پارادایم نظریه تکامل، با تکیه بر آراء جیمز کلارک» فقط به ترجمـه دو عنوان از فصل ۱۴ از کتاب «دین و خاستگاههای علوم» کـلارک اکتفـا کـرده اسـت و هـیچ ورودی به بحث از نسبت اهداف و مقاصد قرآن با مبانی معرفتی کلارک نشده است.

۳. مبانی و پیش فرضهای کلارک در معرفی قرآن

کلارک از جمله دانشمندانی است که برای علم و دست آوردهای علمی ارزش بسـیاری قائل است و بنا بر گرایشی که به معرفت‌شناسی اصلاح شده reformed Epistemology بـا محوریت باور پایه ای : باور به خدا دارد، اصلاً نکوشیده است که به نفع دین و اثبات بـاور به خدا آن هم از باب باری به هر جهت نظر دهد، بلکه او می‌خواهد که مخـاطبش بـا ایـن واقعیت مواجه باشد که بعضًا پیش فرض‌هایی تحمیل شده، تفسیرهای هدفمند و جهت‌داری وجود دارد که سبب القای نتایجی خداناباورانه می‌شوند و انگـاره تعـارض علـم و دیـن را تقویت می‌کنند. (نکـ : سعدی و دیگران، تکامل خلقت و خداباوری، ۱۴۹)

به همین خاطر، در مقام یک غیرمسلمان به خود متن قرآن و ساختار ادبی و زبـانی آن عطف نظر داشته است. او دلالت ظاهری آیات را مبنا قرار داده اسـت و بیـان قـرآن را در مقصود خود از مراحل آفرینش انسان مختصر و پراکنده و همـراه بـا ابهـام دانسـته اسـت: «قرآن برخلاف کتاب مقدس یهودیان و کتاب عهد جدید مسیحیان، دارای روایت خطـی و ترتیب تاریخی نیست؛ و مباحث مربوط به آفرینش در آن مختصر، پراکنده و اغلب پیچیـده در ابهام هستند». (klark, 233 ؛ سعدی، رابطه علم و دین در پارادیم...، ۱۱)

این برداشت برای مخاطب دارای نگرش برون دینی دور از واقع نیست، زیرا او به همـه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

شواهد درون متن و روایتگری گوینده متن توجه دارد. قرآن از آفرینش آدم از خاک/ گل/ گل چسبنده/ آب/ لخته خون و... نام برده است، اما به همه جزئیات و مراحل پیدایش و نوع عناصر دخیل در هر یک از آنها اشاره ای نداشته است:

«شیوه» آفرینش (در آیات قرآن) همراه با ادبیاتی شاعرانه و بدون ذکر جزئیات بیان شده است، اما «حقیقت» آفرینش این گونه مطرح نشده است». (klark, 235؛ سعدی، ۱۲)

کلارک بر همین اساس روایت متن را مختصر و همراه با ابهام می‌بیند. فرق است میان آن زمانی که در متن شواهدی دال بر کیفیت خاک و عناصر موجود در آن و زمینه رشد و ترکیب خاک با آب و در هم آمیختن عناصر و گازهای موجود در خاک با آب (آن‌گونه که در علوم زیستی و بیوشیمی آمده) ذکر شود با آن وقتی که فقط گفته شود: «ما شما را از خاک/ آب/ گل آفریدیم». ظاهرا در پیش فرض زیست شناختی کلارک این مطلب غلبه داشته است که عناصر خاک و آب به مجرد ترکیب با یکدیگر واکنش پذیر می‌شوند و می‌توانند زمینه رشد تک سلولی قرار گیرند.

با این توضیح، احتمال دارد کلارک در متن قرآن گزارشی از این کنش و واکنشهای طبیعی و ارگانیسم زیستی را ندیده است؛ لذا بیان قرآن برای او مختصر و پیچیده و مبهم نمود یافته است. چون او با دید یک فیلسوف علم به قضایای می‌نگرد، به همین سبب در تکوین یک موجود همه عوامل و اسباب نقش آفرین، محل اهمیت و آزمون قرار می‌گیرند. از منظر او در متن قرآن چیزی بااهمیت تر دارد نقش آفرینی می‌کند، و آن اراده و سیطره خداست بر همه چیز. در چنین بافتاری، موضوع چگونگی آفرینش انسان در همان حد بیان مختصر باقی می‌ماند. به این گفته او دقت شود:

«افزون بر این، اشارات قرآن به آفرینش معمولاً تابع و زیرمجموعه از مباحث گسترده و عمیق‌تری نظیر جهان‌شمول بودن و سیطره خداوند است؛ کل موضوع مطرح شده در این‌گونه عبارات دارای ماهیتی خداگونه است و با بیان جزئیات به چگونگی آفرینش نمی‌پردازند. هدف این‌گونه عبارات و جمله‌ها، تمرکز بر چگونگی آفرینش نیست». (همو، ۱۱)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

کلارک از دقت در مضمون آیه ۶۷ سوره غافر هم به همین نکته دست می‌یابد که «نکته اصلی این سوره «چگونگی» آفرینش توسط خدا نیست، و تنها به حقیقت آفرینش توسط خدا اشاره می‌شود. (بنابراین) تمرکز بر جزئیات آفرینش انسان توسط خدا (از خاک) نقطه تمرکز این سوره نیست. بلکه در این است که الله اجازه جاری شدن زندگی را داده است و به همراه آن مرگ را نیز قرار داده است و همه چیز به او وابسته است». (همو، ۱۲)

کلارک می‌گوید: مسلمانان به طور گسترده باور دارند که قرآن به صورت آشکار آموزه-هایی مبنی بر آغاز انسانها از آدم دارد، که خود او بر اساس سوره های گوناگون از خاک، گل و یا آب آفریده شده است. (همو، ۱۲) این سطح از داوری کلارک منصفانه است و با مبادی تفسیری مفسران قرآن در باب تفسیر آیات آفرینش انسان سازگار است، لذا او به دنبال دفاع از حقانیت قرآن نیست، بلکه به نحوی می‌خواهد مخاطب قرآن را در یک فرایند درک و مواجهه مستقیم با زبان و ادبیات قرآن قرار دهد که این زبان دقیقًا عهده‌دار بیان چه مسائل و واقعیتهایی است. از همین‌رو، کلارک از دلالت مجموع آیات مربوط به خلقت انسان از خاک یا گل چسبنده و... چنین احتمال داده است که ممکن است قصد خدا از بیان این مراحل، آگاهی دادن درباره چگونگی آفرینش انسان نباشد، بلکه اشاره به ریشه‌های فروتنانه انسانیت و وابستگی انسان به خداوند جهان شمول باشد. (نکـ: همو، ۱۲)

با این رویکرد به آیات بهتر می‌توان مواضع اساسی قرآن در هر موضوع و مسئله چالشی را تبیین و از مبناهای قرآن سخن گفت، چون هم ما را بنا بر قرائن لفظی و معنایی در آیات و سوره‌ها با مراد خداوند آشنا می‌سازد، هم با دانستن این مطلب که قرآن در موضوع آفرینش تنها به امور کلی و مهمی چون نیاز همیشگی و وابستگی تام انسان به خدا و عنایات او و نیز زمینه‌های فروتنانه تسلیم و عبادت او توجه دارد و هیچ درصدد ارائه تبیینی علمی از همه فرایندهای پیدایش‌گونه انسان خردمند نیست، اسباب دفاع منطقی از قرآن در برابر تحولات زمانه و کشفیات علمی فراهم می‌گردد.

بر طبق مبنای معرفتی کلارک می‌توان آن دسته از آیات قرآن را که بنا بر علل و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

شرایطی در محل بحث و نقدهای متأثر از دیدگاههای علمی جدید قرار گرفته اند و مفسران مسلمان هم کوشیدند تا تفسیری مطابق با واقع و نامتعارض از آنها ارائه دهند، به شیوه‌ای نو بررسی و طبقه‌بندی کرد تا مشخص شود که بیان و زبان قرآن در روایت از هر حادثه یا پدیده یا امری خاص چگونه بوده و اساساً قرآن درصدد بیان چه جنبه‌هایی از آن امر یا پدیده بوده است. کلارک همین موضوع آفرینش انسان را به گونه‌ای مطالعه و بررسی کرده است که خلاف ظاهر آیات نمی‌نماید و می‌کوشد مخاطب خود را تا فهم قصد گوینده راهنمایی نماید، برای مثال از آیات دال بر دمیده شدن روح خدا در انسان چنین نتیجه می‌گیرد که این نفخ روح دلیل برتری انسانها به حیوانات است تا انسانها بتوانند آزادانه خدا را بشناسند و از او فرمانبرداری داشته باشند، اما این فهمیده نمی‌شود که آدم از گونه‌های پیشین موجود بر روی زمین بوجود آمده است، بلکه خدا مستقیماً آدم را از گل آفریده و سپس زندگی و روح را در درون آن دمیده است. (klark, 235؛ نکـ : همو، ۱۲).

براساس همین یافته کلارک بهتر می‌توان آن دسته آیاتی را فهمید که پاره‌ای از انسانهای در حال شرک و کفر و جهل و ظلم و فسق و نفاق را به چارپایانی تشبیه کرده است که نه می‌شنوند و نه حرف می‌زنند و نه اندیشه می‌کنند، بلکه حتی از چارپایان هم گمراه تر و کر و کورترند. البته مدلول آن آیات، برتر دانستن انسانها تحت هر شرایطی نیست، بلکه وجه امتیاز و برتری او در ارتباط با روح خدا که در او دمیده شده است؛ معنا پیدا می‌کند، گویی می‌خواهد بفماند که بعضی از انسانها در حالت کفر و شرک و تکذیب آیات الهی از روح الهی جدا یا دور می‌شوند و به سرنوشت بدی گرفتار می‌شوند.

در تفسیر آیه ۲۸ حجر «**وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي**» آمده که حیات انسان به واسطه دمیده شدن نفخه الهی است و گرنه با رفتن و جداشدن روح خدا از بدن انسان او در حقیقت یک میتّ (مرده) است (نکـ : شیخ طوسی، ۳۳۲/۶)، یا اینکه خداوند به بشر عقل وفهم و اندیشه‌ای داد که او را از سایر موجودات برتر می‌سازند (راغب اصفهانی، ۷۰).

در تفسیر آیه ۴۴ فرقان «**أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاَّ كَالْأَنْعامِ**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلاً» هم گفته شده: «چارپایان فقط به اکل و شرب توجه دارند نه چیزی دیگر، و اینکه آنان که اهل سمع و تعقل نیستند از بهایم هم گمراه‌ترند از این جهت است که بهایم صاحب خود را می‌شناسند و او را به یاد می‌آورند، اما کفار مکه پروردگار خود را نه می‌شناسند، بلکه انکار هم می‌کنند» (ابن سلیمان، ۲۳۶/۳). مفسری دیگر گفته: «وجه تمایز انسان از سایر موجودات به استعداد او در تدبر و ادراک امور، و به سازگاری او برای درک حقایق با اموری چون بصیرت و قصد و اراده و اقناع، و تأمل‌ورزی اوست، همین که انسانی از این خصایص خالی شود؛ پست‌تر از بهایم خواهد بود حتی به مانند آنها نفعی برای دیگران نخواهند داشت» (سید قطب، ۲۵۶۶/۵)

با توجه به مبنای روش شناختی کلارک در مواجهه با قصه آفرینش انسان در قرآن، این مجال برای مفسران قرآن و محققان میان رشته‌ای قرآن و علم جدید فراهم خواهد گشت که در تفسیر آیات خلقت انسان، اساس بحث را متوجه گستره موضوع در قرآن و اهداف اساسی گوینده آن سازند، و به صرف اینکه در قرآن از آفرینش بشر از خاک و گل و... سخن به میان آمده است، دنبال کشف و تطبیق همه جزئیات و فرایندهای تدریجی تکامل بشر در قرآن نباشند، بلکه به تحلیل این موضوع بپردازند که این شیوه از سخن در قرآن چه منطقی را دنبال می‌کند، آیا پذیرش اجمال و ابهام ظاهری در روایت قرآن از آفرینش انسان به مثابه نقص و خللی در استواری و جامعیت متن است، آن هم وقتی که متن می‌توانست طوری شکل بگیرد که هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع آفرینش نداشته باشد؟ و آیا این اجمال‌گویی قرآن به ما تا چه حد اجازه می‌دهد که به سراغ تبیین ها و نظریه های علمی همچون نظریه تکامل رفته و پس از آن، سودای کشف تعامل یا تخالف و تضاد قرآن و علم چقدر موجه و مترتب معنای محصل خواهد بود؟

این انگاره که قرآن با نظریه تکامل چه ارتباطی دارد، بنا بر اختلاف نظرهای موجود، ما را در مسیر آینده‌ای نه چندان روشن قرار می‌دهد؛ آن هم فقط به این علت که هنوز شواهد و اسناد و مدارک دو طرف یعنی طرفداران تعامل قرآن و نظریه تکامل یا طرفداران تضاد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

قرآن و نظریه تکامل کافی و جامع و فصل الخطاب نیستند. حال آنکه با پذیرش اینکه «در قرآن شریف و احادیث صحیح هم که توجّه به آفرینش بشر از «خاک» شده است هیچ‌گونه تقییدی نیست که به چه نحو و به چه کیفیّت بوده؛ فقط مجملًا تصریح به آفرینش او از خاک شده است؛ امّا چگونه این کار انجام گرفت؟» (محمدی گلپایگانی، ۹۸/۵) از اموری است که دانشمندان علوم مربوط به دنبال کشف راز و جزئیات بیشتر از آن هستند.

٤. آثار و فوائد رویکرد کلارک در حوزه قرآن پژوهی

کلارک بر این باور است که علم و دین روشهای متفاوتی دارند و اساس شروع کارشان نیز متفاوت از یکدیگر است. بنابراین، باورهای آنها نیز نمی‌تواند با یکدیگر در ستیز باشند (حتی ممکن است مکمل هم باشند) (سعدی، ۱۴). بر این اساس ابتدا توجه به مرزهای علوم اهمیت پیدا می‌کند و اینکه لزوم طرح یک موضوع در یک حوزه به معنای طرح تمام عیار و با همه جزئیات آن در حوزه دیگر نیست.

بعلاوه، هر دامنه موضوعات در هر حوزه از علوم و معارف بشری بایست به شکل دقیق مشخص باشد تا پژوهشگران بنا بر سلایق و علایق خود کمتر تحت تأثیر پیش فرضها و پیش پنداشت‌های خویش قرار بگیرند، برای مثال اگر قرآن پژوهان در مواجهه با نظریه تکامل و ارتباط آن با آیات قرآن متوجه محدوده بحث در آیات و اشارات قرآنی می‌شدند، شاید بسیاری از نزاعها و اختلافات فرصت ظهور پیدا نمی‌کرد و زمینه بررسی و تطبیق هر نظریه جدید علمی با آیات قرآن در یک فضای منطقی‌تر و به دور از جانبداری علمی میسر می‌گشت.

گفتنی است که با رویکرد کلارک مسئله به این جا ختم نمی‌شود که نظریه تکامل داروین از همه جهات اثبات شده و دارای قطعیت علمی و حجیت معرفت‌شناختی است، بلکه اثبات یا ابطال آن همچنان در محل بررسی‌ها و تحقیقات علمی دانشمندان علوم مختلف قرار دارد و به هر میزان که این نظریه دقیق و با شواهد بیشتر بررسی شود، امکان استفاده از آن در همه علوم به خصوص در فهم و تفسیر اشارات قرآنی هم خواهد بود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

۵. اشارات قرآنی به مسئله آفرینش انسان

در این قسمت بهتر آن است به شیوه بیان قرآن از موضوع آفرینش انسان پرداخته شود تا با دقت در نشانه‌ها و اشارتهای کلام خدا امکان قضاوت درباره چگونگی استفاده قرآن از آن موضوع برای هر خواننده‌ای فراهم گردد و همچنین بتوان ادعای جناب کلارک در بیان اجمالی و مبهم و استفاده خاص از آن موضوع را هم بهتر داوری علمی کرد.

براساس چینش کنونی آیات در سوره‌ها در موضوع آفرینش انسان به این نکات توجه شده است که در جدول زیر ارائه می‌گردد:

آیه قرآنی	استفاده قرآنی از موضوع
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (البقره، ۲۱)	خلقت انسانها برای اثبات ربوبیت خدا و تقوا ورزیدن آدمی
إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (آل‌عمران، ۵۹)	تشابه آفرینش آدم از خاک با خلقت عیسی بدون پدر جهت اثبات قدرت الهی
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا ... (النساء، ۱)	آفرینش انسانها از نفس واحده برای تقوا ورزیدن آدمی
يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنسَانُ ضَعِيفًا (النساء، ۲۸)	ضعفهای انسان از لحاظ آفرینش برای به مشقت نیفتادن در ادای تکالیف
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ (الانعام، ۲)	آفرینش انسان از خاک و طول عمر مشخص شده او برای تسلیم امر خدا بودن
وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (الاعراف، ۱۱)	آفرینش و تصویرگری انسان توسط خدا برای آزمایش بندگان خاص
قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (الاعراف، ۱۲)	آفرینش انسان از گل در احتجاج ابلیس

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (ص، ۷۶)	
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ... (الاعراف، ۱۸۹)	آفرینش انسانها از نفس واحده دربیان مکمل هم بودن مرد وزن
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ * وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ * وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ *فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (الحجر، ۲۶ـ۲۹)	آفرینش انسان از گل خشک بازمانده از لجنی بویناک و دمیده شدن روح در او برای آزمایش بندگان خاص
قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (الحجر، ۳۳)	آفرینش انسان از گل خشک بازمانده از لجنی بویناک برای آزمایش بندگان خاص
خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (النحل، ۴)	آفرینش انسان از نطفه برای تبیین علت خصومت ورزی او
وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (الاسراء، ۶۱)	آفرینش انسان از گل جهت افشای چهره حقیقی ابلیس
قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (الکهف، ۳۷)	آفرینش انسان از خاک سپس نطفه برای کفر نورزیدن آدمی
خُلِقَ الْإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (الانبیاء، ۳۷)	آفرینش انسان از شتاب برای عجله نداشتن در تکذیب آیات
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ ... (الحج، ۵)	آفرینش انسان از خاک سپس از نطفه برای اثبات معاد و چرخه معنادار حیات و هستی
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ	آفرینش انسان از چکیده گل سپس نطفه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ * ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (المؤمنون، ۱۲ـ۱۴)	و.. از برای اثبات معاد و چرخه معنادار حیات و هستی
وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ ... (النور، ۴۵)	آفرینش انسان از آب برای تذکر و توجه به خالقیت خدا
وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (الفرقان، ۵۴)	آفرینش بشر از آب برای متذکر نعمات الهی شدن
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنتُم بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ * وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (الروم، ۲۰ـ۲۱)	آفرینش انسان از خاک جهت تذکر و یادآوری نعمات الهی و تفکر در نظام آفرینش
اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (الروم، ۵۴)	آفرینس انسان در چند مرحله با ویژگی خاص
الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (السجده، ۷ـ۹)	آفرینش انسان از گل سپس آب منی سپس نفخ روح برای اینکه شکرگزاری از خدا در همه حال
وَاللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَ مَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (الفاطر، ۱۱)	آفرینش انسان از خاک سپس نطفه و.. برای اثبات علم و قدرت الهی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (یس، ۷۷)	آفرینش انسان از نطفه برای اثبات حد خصومت ورزی آدمی
فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ (الصافات، ۱۱)	آفرینش انسان از گل چسبنده برای اثبات خالقیت خدا
خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنزَلَ لَكُم مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (الزمر، ۶)	آفرینش انسان در طی چند مرحله جهت عدم انحراف از حق و پرستش خدای یگانه
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّى مِن قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (الغافر، ۶۷)	آفرینش انسان از خاک سپس نطفه و... جهت تعقل و اندیشیدن آدمی
خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ * وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ (الرحمن، ۱۴ـ ۱۵)	آفرینش انسان از گل خشک ... برای تذکر به عدم انکار آیات الهی
مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا* وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (نوح، ۱۳ـ۱۴)	آفرینش انسان در طی مراحلی جهت تذکر به امید داشتن به خدا
أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى * أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَى * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى* فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى * أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَى (القیمه، ۳۷ـ۴۰)	آفرینش انسان برای توجه و تذکر او به قدرت الهی
إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (الانسان، ۲)	آفرینش انسان از نطفه برای شکرگزاری او در همه احوال

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ * فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ * فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ * وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (المرسلات، ۲۰ ـ ۲۴)	آفرینش انسان در طی چند مرحله برای عدم تکذیب آیات الهی
قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ * مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ * مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (عبس، ۱۷ـ۱۹)	آفرینش انسان از نطفه جهت کفر نورزیدن آدمی
يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ * فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (الانفطار، ۶ـ ۸)	آفرینش انسانی طی چند مرحله از برای مغرور نشدن آدمی
فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ * إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (الطارق، ۵ ـ ۸)	آفرینش انسان از آب منی جهت توجه به فرایندهای پیدایش و بازگشت به خدا
سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى * الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (الاعلی، ۱ـ۳)	آفرینش‌انسان طی چند مرحله جهت شایستگی‌مقام ستایش خدا
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (التین، ۴ـ۵)	آفرینش در بهترین ساختار و سیر مراحل وجودی آن
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ (العلق، ۱ـ۲)	آفرینش انسان از خون بسته برای توجه داشتن به خدا و قدرتش

از مجموعه آیات فوق حتی روایات تفسیری آنها نکات زیادی درباره جزئیات خلقت انسان و همه فعل و انفعالات ماده اولیه یعنی خاک یا گِل خشک یا گل چسبنده و بوینـاک مشاهده و دریافت نمی‌شود و اصلاً این به معنای نقصانی بر کلام خدا نیست، بلکه مهم کشف آن مقصود و استفاده‌ای است که از آن مطالب قرار است بشود. اینکه قرآن به واسطه اشاره به نوع خلقت انسان می‌خواهد او را متوجه ضعفهای وجودی خود و اثبات قدرت الهی نماید،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

طبق یک برنامه حساب شده است (النساء، ۲۸)، یا اینکه به خلقت از گِل انسان و آفرینش از آتش ابلیس اشاره دارد، برای آزمایش (ابتلای) آنهاست تا مشخص شود در برابر امر الهی چه واکنشی از خود نشان خواهند داد و چگونه بر صدق دعاوی خود احتجاج می‌نمایند؟! (الاعراف، ۱۱ـ ۱۲ و الحجر، ۳۳). به همین ترتیب در همه آیات بیانگر نوع آفرینش انسان متوجه نقش آلی و مقدماتی آن آیات در تبیین بهتر مفاهیم پایه و باورهای بنیادین قرآنی خواهیم شد. مفاهیم مهمی چون مغرور نشدن، کفر نورزیدن، تقوا ورزیدن، تسلیم امر الهی بودن آدمی، تفکر در آفرینش و تذکر به نعمات و یاد خدا بودن انسانها و نیز اثبات باورهای بنیادین چون معاد، قدرت و خالقیت الهی، شایستگی پرستش خدا و... .

بنابراین، از ظاهر و سیاق آیات این مطلب فهمیده می‌شود که ای انسانها ماده اولیه شما از خاک و گل و آب است! یک ماده بی‌جان و تحت فرمان یا قانون ما، چرا کفر می‌ورزید؟! چگونه است که به قدرت خدا پی نمی‌برید؟! از چه جهت تکبر و غرور می‌ورزید؟! چرا متذکر نعمتهای الهی نمی‌شوید؟! چگونه است متوجه ضعفها و محدودیتهای وجودی خود نمی‌شوید؟! چرا و به چه علت تعقل نمی‌کنید و متوجه عرصه آزمایشگاهی بودن زندگی خود و دیگران نیستید؟!

بعضی از مفسران مسلمان هم در تفسیر آیات فوق به این نکته توجه داشتند که چرا خداوند به موضوع خلقت انسان از ماده اولیه خاک و آب پرداخته است، در جدول زیر به تعدادی از دیدگاههای آنها اشاره شده است:

آیه قرآن	بیان دیدگاه تفسیری	تفسیر
الانعام، ۲	خطاب به کافران که مدام در مسئله بعث و حشر شک داشتند و احتجاج بر آنها	مجمع البیان، ج۴، ص۴۲۴
الانعام، ۹۸	مراد از نفس واحده می‌تواند آدم ابوالبشر باشد یا همان جانداری باشد که در حال تکامل است	تفسیر عاملی، ج۳، ص ۵۱۳

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

البقره، ۳۵	قرآن در قضیه خلقت آدم از گوشه‌های آن چیزهایی را برگفته و آنها را به گونه‌ای آورده تا با حقایق علمی در صادق‌ترین و روشن‌ترین وجه‌شان هماهنگ باشند.	تفسیر القرآنی للقرآنی، ج۱، ص ۶۰
المؤمنون، ۱۲	انسان به دلالت آیات طی مراحلی تطور و تکوّن یافته است و منشأ آن از آب و گل بوده است و تشابه زیادی با حیوان در مراحل رشد و اندامها و تناسل و توالد و مانند آن دارد و این مراحل می‌تواند میلیونها سال طول کشیده باشد تا موجودی مستعد برای نفخ الهی در او شده باشد.	تفسیر القرآنی للقرآنی، ج۱، ص ۶۷ ـ ۶۸
الانفطار، ۶ ـ ۸	آیه دلالت دارد بر اینکه انسان باید در احکام آفرینش خود تفکر کند و با درک اتقان خلقتش به عظمت الهی پی ببرد و اینکه آنکه او را به بهترین شکل آفریده قادر است او را بازگرداند.	التفسیر الکاشف، ج۷، ص: ۵۳۱
المرسلات ۲۰ ـ ۲۴	اینکه خدا انسان را از ماء مهین آفریده با آیات دیگر که از آب و گل و... آفریده منافاتی ندارد اینها اشاره به مراتب طولی خلقت انسان دارد.	مناهج البیان فی تفسیر القرآن، ج۲۹، ص: ۳۶۷
الحجر، ۲۶	اینکه آفرینش انسان از صلصال و حمأ مسنون سپس نفخ روح الهی در او چگونه	فی ظلال القرآن، ج۴، ص ۲۱۳۸

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

	بوده؟ از آن اموری است که ما از کیفیت آن اطلاعی نداریم و راهی هم بـرای اطـلاع از حالات و جزئیات آن وجود نـدارد. قـرآن به آن مراحل با تعبیر (سـلاله) اشـاره کـرده است، زیاده بر آن نوعی تحمیـل بـر قـرآن خواهد بود که نیازی به بیان آن نیست.	
الحجر، ۲۶	قرآن خلقت انسان را در چند مرحله ذکر کرده که در آنها تناقضی نیسـت چـون از حالات مختلف خبر می‌دهد	المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۲، ص ۱۵۱
الحجر، ۲۶	اینکه کـه گِـل اولیـه چگونـه از طبیعـت عنصری خـود ارتقـا یافتـه و تبـدیل بـه حیوان دارای عضو و روح گردیـده جـزء اسراری است که از طریق قرآن یـا علـم قطعی در پرتو قرآن به آن علـم خـواهیم یافـت، افـزودن و کاسـتن از ایـن انـدازه نوعی تحمیل بر قرآن خواهد بود.	الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السـنه، ج ۱۶، ص ۱۶۵
الحج، ۵	انسان در مراحل مختلفی شکل گرفته تقریباً شبیه همان بذری که در خاک می‌کاری بعـد آب و نور که به آن می‌رسد رشد می‌کنـد و تبدیل به درختی تنومند می‌شود. همه اینهـا از قـدرت انسـان خـارج اسـت و او را شایسته است که نظر کند و عبرت پـذیرد و تسلیم امر خدای خود باشد.	التفسیر القرآنی للقـرآن، ج۹، ص ۹۷۸

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

الحج، ۵	بنا بر ظاهر سیاق مراد این است که مشاهده انتقال از خاک مرده به نطفه سپس علقه سپس به مضغه سپس به انسان زنده هیچ شکی در امکان بعث و زنده شدن مردگان باقی نمی‌گذارد.	المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص ۳۴۴

آنچه در تفاسیر اسلامی مشهود است اینکه ما با دو دوره از تفسیر آیات خلقت مواجه هستیم؛ یکی *دوران پیش از طرح نظریه تکامل داروین*، دیگری *دوران پس از طرح و رونق آن*. در دوره پیش، قاعدتاً مفسران به دلالتهای ظاهری و سیاقی آیات اکتفا کردند و مشکلی در تعارض یا ناسازگاری آیات خلقت با یک امر بیرونی نظیر نظریه تکامل یا فرگشت نداشتند. در این دوران نتیجه کار مفسران منحصر در تفسیر آیات و تبیین اهداف و استفاده‌های قرآن از بیان موضوع خلقت بوده است، لذا بخشی از نتایج آنها برای این پژوهش اهمیت دارند و آن اینکه قرآن به مراحل خلقت انسان اشاراتی داشته تا امور و حقایق مهمتری چون معاد و خالقیت خدا و ارزش انسان دارای نفخه الهی در برابر سایر موجودات آشکار شود.

اما همه ماجرا برمی‌گردد به دوران پس از طرح و آشنایی مسلمانان با نظریه تکامل، در این دوران تلاش مفسران ارائه تبیینی در چارچوب حفظ وحیانی بودن خاستگاه قرآن و عدم ناسازگاری آن با نظریه تکامل از یک‌سو، و نفی و انکار و مخالفت با نظریه تکامل از سوی دیگر بوده است. آن‌گونه که در جدول بالا آمده است، تنها تعدادی از مفسران به گونه‌ای سخن گفتند که هم جانب بیان خاص قرآن در آفرینش انسان حفظ شود و هم راه برای کشفیات جدید علمی در این موضوع باز و هموار باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

۶. نتایج مقاله

مهمترین نتایج این بحث عبارتند از:

۱ـ در میانه نزاعها و اختلافهای بسیار در موضوع علم و دین یا علم و قرآن، دیدگاه و مبنای روش‌شناختی جیمز کلارک می‌تواند مخاطبان قرآن را با این واقعیت مهم مواجه سازد که قرآن درصدد بیان همه جزئیات آفرینش انسان آن‌گونه که علم جدید در صدد کشف آنهاست نبوده است.

۲ـ کلارک بر این مطلب تاکید دارد که بیان قرآن در روایتگری قصه آفرینش انسان مختصر و دارای ابهام است، گویی قصد گوینده این بوده است که مخاطبان را متوجه حقایق و اموری دیگر سازد.

۳ـ با مراجعه به آیات خلقت انسان و کشف معنا و مدلول آنها بهتر مشخص می‌شود که دقیقا قرآن با چه سبک زبانی واسلوب بیانی عمل کرده است. تقریبًا در همه آیات مدنظر به آفرینش انسان از آب و خاک و گل (چسبیده، بویناک و خشک و صدادار) و آب جهنده و نطفه و مضغه و علقه و نفخ روح اشاره شده است برای این متظور که حقایقی چون علم و قدرت الهی، فرجام کفرورزی و انکار آیات الهی، ضرورت مغرور نشدن آدمی، لزوم تقوا ورزیدن و تسلیم امر الهی بودن او، تفکر در آفرینش و تذکر به نعمات و یاد خدا و نیز اموری چون معاد، قدرت و خالقیت الهی، شایستگی پرستش خدا و... اثبات و تأکید گردد.

۴ـ رویکرد مفسران مسلمان هم در برابر این آیات یکسان نبوده است، در میان متقدمین به جهت عدم طرح نظریه تکامل، تنها به دلالتهای ظاهری و سیاقی آیات خلقت انسان بسنده شده است، به نحوی که بیشتر به استفاده قرآن از موضوع خلقت انسان در طی مراحلی چند برای اثبات آن امور و حقایق مهم پیش گفته توجه داشتند. اما در میان معاصران، موضوع ازجنبه‌های دیگری همچون تعامل یا تعارض قرآن با نظریه تکامل در ضمن تفسیر آیات خلقت انسان توجه شده است و در این راستا، بعضی مفسران آن‌گونه که در جدول بالا آمده است، به‌گونه‌ای بحث را پیش بردند تا نشان دهند که قرآن از یک‌سو، به دنبال بیان همه جزئیات قصه آفرینش انسان برنیامده و آنچه گفته است در کلیتش قابل انطباق بر نظریه تکامل است. از سوی دیگر، راه کشف جزئیات بیشتری از خلقت بشر برای علم و دانشمندان علوم باز است تا اسرار بیشتری را بر ما آشکار سازند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن سلیمان، مقاتل، تفسیر، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت، دارإحیاءالتراث العربی، ۱۴۲۳.
۳. خطیب، عبدالکریم، تفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دار الفکر العربی، ۱۴۲۴.
۴. داروین، چارلز، منشأ انواع، ترجمه: نورالدین فرهیخته، تهران، نشر زرین، ۱۳۸۰ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیّة.
۶. سحابی، یدالله، تکامل و خلقت انسان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
۷. سعدی، مریم، «رابطه علم و دین در پارادایم نظریه تکامل، با تکیه بر آراء جیمز کلارک»، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، سال یازدهم شماره ۶، ۱۳۹۵.
۸. سعدی، مریم و رسول رسولی‌پور و محسن جوادی، «تکامل، خلقت و خداباوری و مواضع اندیشمندان مسلمان، تحلیل و بررسی آرای جیمز کلارک»، دو فصلنامه حکمت معاصر، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۹۷، ۱۳۹۷.
۹. سیدقطب، فی‌ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۲۵.
۱۰. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السّنّة، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶.
۱۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. طوسی، محمدبن‌حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۴. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، کتابفروشی صدوق، ۱۳۶۰ش.
۱۵. کارترایت، جان، تکامل و رفتار انسان، ترجمه: بهزاد سروری، مشهد، جهاد دانشگاهی،۱۳۸۷ش.
۱۶. محمدی گلپایگانی، ابوالقاسم، جرعه ای از زلال قرآن، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۱۷. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴.
۱۸. ملکی میانجی، محمدباقر، مناهج البیان فی تفسیر القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴.
۱۹. نریمانی، نیما، «تکامل از علم تا فراعلم»، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، سال یازدهم، شماره ۶، ۱۳۹۵.
20. Clark, Kelly James, Religion and the Sciences of Origins: Historical and Contemporary, palgrave macmillan, Discussions, 2014.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]